

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۱ جنوری ۲۰۲۱

درگیری دایمی و سازش گذرا!

پنجشنبه - ۱۱ جدی ۱۳۹۹ - کابل: "لنن" یکی از اصول اساسی دیالکتیک را چنین بیان داشته است:

"وحدت(تطابق، همگونی، تساوی عمل) اضداد مشروط، موقتی، گذرا و نسبی است، مبارزه اضداد دافع یک دیگر مطلق است، همان طور که تکامل و حرکت مطلق است" - لنن درباره مسأله دیالکتیک- به نقل از پنج اثر فلسفی- مائو تسه دون.

دو روز قبل یعنی به تاریخ ۳۰ دسمبر از همین صفحه زیر عنوان "دزد ها به جان هم افتادند" از درگیری های اخیر بین باند های قدرت خبر دادم و صریحاً پیشبینی نمودم که بالفعل دستگیر شدن افراد حین اخذ رشوت، مبارزه علیه فساد نه، بلکه تقابل ها و انتقام گیری های شخصی بین رقبای قدرت می باشد. اینک با اخراج "جواد عثمانی" نورچشمی "عطاء نور" که "غنی احمدزی" از سهم خود وی را مقرر نموده بود، نکات تاریک و نا روشن تمام درگیری را قابل رؤیت ساخته، که ذیلاً نخست با تذکر بدیهیات و آنچه تمام مردم می دانند، آغاز می نمایم:

۱- تمام آنهایی که با چشمان باز سالهای اخیر را در افغانستان زندگانی نموده اند، می دانند که "عطاء نور" از همان نخستین روز های سقوط حاکمیت طالب در افغانستان و ختم سلطه آنها بر ولایت بلخ، خلاف دو «رقیب/ متحد» منطقه نی اش یعنی "دوستم" و "محقق" که به امید رسیدن به مقامات بالاتر جذب مرکز قدرت در شهر کابل شدند، پایش را در ولایت بلخ و مناطق همجوار محکم نموده، گاهی در تبانی با دو رقیب و زمانی هم در تقابل با آنها، سلطه انحصاری اش را چنان در آن ولایت تحکیم بخشید که دولت مرکزی بدون کمک دو رقیب منطقه نی اش، حتا جرأت نگاه نموده به آن ولایت را نیز نداشت تا چه رسد به ادعای کنترل.

۲- "عطاء نور" در تمام این سالها از طرق مختلف و در همسویی بسیار نزدیک با اشغالگران به خصوص کشور های امپریالیستی امریکا و المان و با تکیه بر حمایت های گسترده و سخاوتمندانه آنها و تثبیت جایگاه خودش در ستراتیژی تجاوزکارانه آنها در ورای آمو و کشور های آسیای میانه، بنیان قدرتی را گذاشت که رسانه ها آن را گاهی "امپراتوری" و زمانی هم "شاهنشاهی" لقب داده، تلویحاً چنان وانمود می نمودند که ولایت بلخ و توابع آن بخشی از "تیول" و یا "اقطاع"، وی به شمار رفته از همان طریق هم قادر شد دارائی ها و مکنات کلی اش را از مرز میلیارد دالر بگذراند.

۳- "غنی احمدزی" که انحصار طلبی و تمامیت خواهی در سرشتش عجین است، چه قبل از گماشته شدن به ریاست جمهوری و چه هم بعد از آن، به بهانه از بین بردن جزایر قدرت و تحکیم قدرت مرکزی، همیشه می کوشید تا چه با سازش و تبنانی باشد و چه هم با تهدید و زور، ولایت بلخ و بقیه توابع آن را از چنگ "عطاء نور" در آورده، خود و باند مربوط به خودش بر "جوی های طلا و نقره" آن دیار مسلط گردد.

۴- از آن جایی که اشغالگران حاضر نبودند به خاطر "غنی احمدزی" دمدی مزاج، ناستوار و بی ریشه، بر روی متحد و نوکر وفادارشان "عطاء نور" سیلی بزنند و نیروهای نظامی ظاهراً تحت قیادت "غنی احمدزی" نیز نه توان مقابله با لشکر "عطاء نور" و متحدانش را داشتند و نه هم از جانب بادران اجازه چنان حرکت بیخردانه را دریافت داشته بودند، در نتیجه "غنی احمدزی" بعد از چند قدرت نمایی ناکام و مضحک، سرانجام خواست، "عطاء نور" را نیز جذب قدرت مرکز نماید و وی را به سرنوشت دو "رقیب/متحدش" مواجه سازد.

۵ - تا جایی که دیده می شود در انجام این مأمول، هم موفقیت هائی داشت و هم شکست هائی. بزرگترین موفقیتش که می تواند با در نظر داشت ماهیت درونی "جمعیت اسلامی" شکننده و گذرا باشد، رسمیت بخشیدن به انشعاب در درون "جمعیت اسلامی" با تجرید "صلاح الدین ربانی" و جدا ساختن تعدادی از کادرهای آن نهاد از بدنه اصلی اش بود؛ نقطه مقابل این موفقیت که می تواند گذرا و ناپایدار باشد، عدم موفقیتش در دور ساختن شخص "عطاء نور" از مرکز قدرتش ولایت بلخ و تقرر یک تن از افراد متعهد به خودش در آن ولایت بود.

این عدم موفقیت "غنی احمدزی" زمانی محسوس گردید، که در عمل دیده شد "عطاء نور" ضمن حفظ آن ولایت از طریق نوچه هایش نخست "رهگذر" و اینک "ابراهیم عظیمی" به حیث والی آن ولایت، نه تنها ولایت خودش را حفظ نمود بلکه با مقرر نمودن چند تن از نوچه های دیگرش در وزارت خانه های دیگر من جمله وزارت صحت و وزارت معارف و گنجاندن پسرش در جمع هیأت مذاکره با طالب، عملاً دامنه سلطه اش را گسترش بخشید.

۶- در این مرحله که ما شاهد سازش و تبنانی بین "غنی احمدزی" و "عطاء نور" هستیم، همان طوری که "لنین" داهیانه چنین سازش هائی را موقت، مشروط و گذرا خوانده است، بنا بر ماهیت تضادهای موجود بین آنها وحدت و تبنانی نمی توانست دایمی و مطلق گردد. آنچه کاملاً مشخص نیست درک این نکته است که کدام یک اول بر تبنانی پای گذاشت. آنهایی که این روند را از نزدیک دنبال نموده اند، مدعی اند که خاطی نخست، "غنی احمدزی" است که وزیر معارف مربوط به "عطاء نور" را از کابینه بعد از انتخابات اخراج نمود. در حالی که کسانی هم هستند که عکس آن را ادعا نموده، خاطی نخست "عطاء" را معرفی می دارند.

واقعیت قضیه این است که از نظر ما، این که کدام یک آغازگر این جدائی بوده زیاد مهم نیست زیرا آنها از همان آغاز تبنانی با یک دیگر صادق نبوده، مبارزه بین آنها مطلق بوده، فقط تبارز علنی نداشته است.

۷- تا جایی که همان آگاهان ادعا دارند، جنگ کنونی را "غنی احمدزی" آغاز و "عطاء" ادامه داده است. بدین صورت: باند نزدیک به "غنی احمدزی" با اعزام سه تن از سناتوران که از آن جمله دو تن آنها از جمله کسانی هستند که توسط شریک متوفای "غنی احمدزی"، "غضنفر" معرفی شده بودند به بلخ و به بندر حیرتان به امید بیرون کشیدن چند قرار داد انحصاری از چنگ "عطاء" و باندش، زنگ خطر را برای "عطاء" به صدا در آوردند، "عطاء" که بیشترین قسمت عمرش را از همان عنفوان جوانی که تازه پشت لب سیاه کرده، در بین "زهراخور" های جهادی "کتابت" می نمود تا امروز با توطئه و تفتین گذرانیده خود را از "کتابت" به "شاهنشاهی" رسانده است، متوجه حرکت خلاف تعهد "غنی احمدزی" شده با شناختی که از وی داشت و می دانست که در صورت سکوت این آغاز ادامه خواهد یافت، با امکانات

دست داشته اش و سلطه ای که بر تمام نهاد های فعال حاکمیت در بلخ داشت و دارد، آنها را بالفعل حین اخذ رشوت دستگیر نمود.

۸- با شناختی که از "غنی احمدزی" و باندش داریم آنها نیز به جای حل مسالمت آمیز و آرام معضل، نخست با اخراج دو سناتور انتصابی که عملاً با مرگ "غضنفر" دیگر نقشی در توازن قدرت و مبارزه علیه "دوستم" نداشتند، عصبانیت خود را بروز داده ، در کابل عین توطئه و یا ماجرا را بر نزدیکان و اعضای باند "عطاء" تطبیق کرده، با همان افتضاحی که روابط و نزدیکان "غنی احمدزی" را تشهیر نموده بودند، برادر وزیر صحت و در نتیجه شخص وی را زیر ضرب قرار داده بر وی فشار وارد نمودند تا استعفاء دهد.

هموطنان گرامی!

همان طوری که قبلاً نیز نگاشته بودم این جنگ تازه آغاز یافته و تا جایی که دیده می شود کنترل آن از دست "عقلای داخلی قوم" نیز بیرون شده است، هرگاه اشغالگران در قضیه مداخله نکنند و اصولاً خود آنها در افروختن این آتش دخیل باشند، در جریان روز های آینده شاهد سلسله درگیری ها و تبنانی های جدیدی خواهیم شد. از جمله "صلاح الدین ربانی" و "عطاء" بر روابط خصمانه شان تجدید نظر خواهند کرد، پسر "عطاء" را از هیأت اخراج خواهند نمود، "غنی احمدزی" فشارش را بر "عثمانی" و بقیه افراد مربوط به "عطاء" زیاد نموده از طریق اداره شخصی اش "لوی خارنوالی" برای همه آنها دوسیه خواهد ساخت، "عطاء" اگر حمایت دو متحد/ رقیبش را به دست آورد، به فکر ایجاد گروههای مسلح خواهد افتاد- گروههای مسلح قبلی اش را باز هم به کار خواهد گماشت- ، هرگاه تنها ماند، با یک خیز خود را به دوحه رسانده حلقه عبودیت طالب را به گردن خواهد آویخت. و ...

هموطنان گرامی!

دیالکتیک حکم می نماید که تبنانی و کشمکش بین این ها تا زمانی ادامه خواهد یافت، که نیروهای انقلابی بر حیات شان نقطه پایان بگذارد.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع؛ جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!